



A Comparative Study of The Burden of Proof and Evidence in Domestic Violence in the Criminal Procedure of Iran, France and England

Heshmat Allah Bahadori¹, Batool Pakzad², Abdol Reza Jamalzadeh³

¹ PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch Faculty of Law, Azad University, Tehran, Iran, Email: Heshmatbahadori8@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (**Corresponding Author**), Email: d.b.Pakzad@gmail.com

³ Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, Email: jamalzadehpro@gmail.com

Abstract

The family is the most important social institution, which is the origin of the upbringing of the members of the society. Considering the importance of the crime of domestic violence, and the impact it has on the society, and taking into account the difficulties of proving this crime due to its occurrence in the private environment of the family, we decided to study on the methods of proving the crime of domestic violence in the three countries, Iran, England and France. also examined with the method of comparative study and find an optimal way to support the victims and also to punish the criminals justly. The findings show, the principle is based on the innocence of the accused, this way, the occurrence of these crimes cannot be easily proven. The two main common challenges in all three countries are: first, the crime scene, i.e., the home as the private sphere of individuals, and second, the emotional and private relationship between the perpetrator and the victim. These factors render the duty of supervisory institutions such as the police, as well as traditional means of evidence such as documents and witness testimony, largely inapplicable. In terms of mechanism, in order to prevent the crime of domestic violence and ease its proof, criminalization for submitting reports in domestic violence crimes, immediate handling of received reports, reversal of the burden of proof in cases where there is a strong suspicion of committing a crime. Yes, protective orders to compensate the damages caused to the victim can be effective.

Keywords: Burden of Proof, Evidence, Litigation, Domestic Violence, Criminal Procedure.

Received: 2023/10/29 ; **Revised:** 2024/05/20 ; **Accepted:** 2024/07/21 ; **Published online:** 2025/06/22

How To Cite: Bahadori, Heshmat Allah; Pakzad, Batool; Jamalzadeh, Abdol Reza (2025). A Comparative Study of The Burden of Proof and Evidence in Domestic Violence in the Criminal Procedure of Iran, France and England, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 12(2), 27-52.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.9932.2458>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



بررسی تطبیقی بار اثبات دلیل در خشونت‌های خانگی در آیین دادرسی کیفری ایران، فرانسه و انگلیس

حشمت‌الله بهادری^۱، بتول پاکزاد^۲، عبدالرضا جمال‌زاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران، رایانامه:

Heshmatbahadori8@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه:

d.b.Pakzad@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران، رایانامه: jamalzadehpro@gmail.com

چکیده

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که خاستگاه پرورش افراد جامعه است. با توجه به اهمیت جرم خشونت خانگی و تأثیری که بر اجتماع می‌گذارد و با در نظر گرفتن مشکلات اثبات این جرم به دلیل وقوع آن در محیط خصوصی خانواده، بر آن شدیم روش‌های اثبات جرم خشونت خانگی در سه کشور ایران و انگلیس و فرانسه را با روش مطالعه تطبیقی، مورد بررسی قرار دهیم و به روشی بهینه در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و همچنین مجازات عادلانه بزه‌کار دست یابیم. یافته‌ها نشان می‌دهد، از آنجایی که اصل بر بی‌گناهی متهم است، وقوع این جرائم، به راحتی قابل اثبات نیست. دو چالش اصلی پیش‌رو و مشترک بین سه کشور، اولاً محل وقوع جرم، یعنی خانه به‌عنوان حریم خصوصی افراد، ثانیاً رابطه عاطفی و خصوصی مرتکب و قربانی است که وظیفه نهادهای نظارتی مانند پلیس و ادله سنتی اثبات دعوا مانند سند و شهادت شهود را غیرقابل اعمال می‌کند. از حیث سازوکار، در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم خشونت خانگی و سهولت اثبات آن، جرم‌انگاری برای ارائه گزارش در جرائم خشونت خانگی، رسیدگی فوری به گزارش‌های دریافتی، معکوس نمودن بار اثبات دلیل در مواردی که ظن قوی بر ارتکاب جرم وجود دارد، دستورهای حمایتی برای جبران خسارات وارده به قربانی، می‌تواند مثر و واقع شود.

کلیدواژه‌ها: بار اثبات، ادله، دعوا، خشونت خانگی، آیین دادرسی کیفری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
استاد به این مقاله: بهادری، حشمت‌الله؛ پاکزاد، بتول؛ جمال‌زاده، عبدالرضا (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی بار اثبات دلیل در خشونت‌های خانگی در آیین دادرسی کیفری ایران، فرانسه و انگلیس، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۲)، ۲۷-۵۲.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.9932.2458>

مقدمه

از مهم‌ترین موضوعات آیین دادرسی کیفری، موضوع ادله اثبات جرم است که قانون ماهوی بدون انسجام در ادله اثبات، ابتر خواهد ماند و اهمیت ادله اثبات بدین سبب است که به‌طور مستقیم با محکومیت یا برائت متهم مرتبط است و در صورتی که حق همراه با دلیل نباشد، اصولاً به اثبات نمی‌رسد (محمدپور افشار، ۱۳۹۷: ۱۹۷؛ مقصودپور، ۱۳۹۸: ۲۴۹-۲۷۳). قوانین و سیاست‌های جدیدی در رابطه با ادله اثبات در جرائم خشونت خانگی و با هدف حمایت از قربانیان، در کشور ایران طی بیست سال گذشته تصویب شده است. رویکردهای قانونی اتخاذ شده برای حمایت از قربانیان و کنترل خشونت خانگی منجر به تغییرات قابل توجهی در قوانین خانواده برخی کشورها شده است. قوانین جدید شامل اقداماتی است که حفاظت مدنی یا دستورات بازدارنده را مجاز می‌سازد و مجریان را ملزم به بازداشت در جرائم خشونت خانگی می‌کند که منجر به حفاظت از قربانیان بزرگسال خشونت خانگی و فرزندانشان می‌شود (Lee, ۱۹۹۸: ۲۲۱-۲۵۲). به‌طور مثال در حقوق انگلیس که مبتنی بر کامن‌لا است، معیار اثبات در دعاوی خشونت خانگی، قناعت وجدان دادرس است که دادرس در کمال آزادی و در جهت حمایت از حقوق قربانیان، مبتنی بر هر دلیلی، ارزش ادله ابرازی را ارزیابی می‌کند و بر اساس آن حکم صادر می‌نماید (حیدری، ۱۳۹۲: ۵۷-۷۴).

یکی از موانع اصلی استفاده از قوانینی که برای حمایت از قربانیان خشونت وجود دارد، آن است که اثبات خشونت خانگی در دادگاه دشوار است؛ قربانی اغلب تنها شاهد آزار است. به دلایل مختلف، قربانیان تمایلی به شهادت علیه سوءاستفاده‌کنندگان خود ندارند و به دنبال راه‌حل‌های مدنی و کیفری نیستند. حتی زمانی که شهادت می‌دهند، قربانیان خشونت خانگی به‌ویژه زنان، اغلب باور نمی‌شوند. علی‌رغم تغییرات در مفاهیم حقوقی و عمومی خشونت خانگی، قاضی و هیئت منصفه همچنان شهادت قربانیان در مورد آزار را نادیده می‌گیرند، یا به آن بی‌توجهی می‌کنند (and Murphy Aiken, 2000: 43-62). در پرونده‌های خشونت خانگی، کشف ادله اثبات قانونی با چالش‌های متعددی مواجه است. درحالی‌که محققان به وفور در مورد مسائل صمیمیت و وابستگی، به‌عنوان موانع کشف، بحث کرده‌اند، رابطه آن‌ها با شواهد و متقاعدسازی به نظر می‌رسد که نظریه‌پردازی نشده است. گویا احاطه بر مفاهیم، در راستای فهم بهتر موضوعات پیش‌رو تأثیر خواهد داشت.

۱. اثبات دلیل

دلیل در ادبیات فارسی به معنای راهنما، راه‌نماینده، راهبر و رهنمون است (معین، ۱۳۸۰: ۶۵). دلیل در اصطلاح حقوقی امری است که اصحاب دعوا برای اثبات دعوا یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند (سلیمی، ۱۳۹۴: ۹-۳۰). دلیل عبارت است از وسیله‌ای که با استناد بدان می‌توان واقعیت یک امر را

اثبات کرد (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۶). در حقوق ایران، ادله به مثابه ابزار قدرتمندی است که می‌تواند شخص را در مسیر برائت و بی‌گناهی قرار دهد و یا موجبات به کیفر رساندن وی را فراهم نماید. مدعی کسی است که قولش مخالف با اصل باشد و در مقابل، کسی که قولش با اصل موافق باشد، منکر است (آشتیانی، ۱۴۲۵: ۳۳۳).

بار اثبات دلیل به معنی وظیفه اثبات نهایی در یک دادرسی است. به نظر نگارنده مفهوم واقعی بار اثبات، بار ارائه یک میزان از دلایل قابل قبولی است که توسط یکی از طرفین دعوا برای دلیل مجرمیت ارائه می‌شود. بار اثبات در دعاوی مدنی و کیفری مطرح می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۷۷۰). بار اثبات دلیل از آن جهت حائز اهمیت است که با قرار دادن این بار بر عهده هرکدام از طرفین و عدم ارائه ادله کافی از سوی او رأی به نفع طرف مقابل بدون هرگونه وظیفه اقدام دیگری صادر می‌شود (مهر و زاهدی، ۱۳۹۴: ۶۳-۸۴). با توجه به تعریف مدعی که اظهاراتش خلاف اصل است و منظور از اصل، اصول حقوقی امارات و فروض قانونی بوده و مخالف ظاهر طبیعی امور است. در این رابطه، تعریف مدعی و مدعی علیه امری نسبی و اعتباری است (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۱: ۲۸۲).

با توجه به اینکه در دعاوی کیفری ضرورتاً هدف پرهیز از محکومیت فرد بی‌گناه است، مواردی وجود دارد که در آن‌ها بار اثبات جرم که وظیفه دادستان است، بر عهده متهم قرار می‌گیرد و اوست که باید ثابت کند مرتکب جرم نشده است که به بار اثباتی معکوس تعبیر می‌شود.

در حقوق انگلیس، بار اثبات دلیل در معنای وظیفه طرف برای اثبات ادعا یا اتهام مورد مناقشه است و شامل بار تولید^۱ است (بار تولید به تعهد طرف برای ارائه شواهد کافی برای حمایت از یک قضیه خاص اشاره دارد. بار تولید با بار متقاعدسازی ترکیب می‌شود تا بار اثبات را در یک محاکمه جبران کند) (Barron's Law Dictionary: 55-56; Black's Law Dictionary 1996: 80, 178). شاکیان در پرونده‌های مدنی معمولاً بار اثبات ادعاهای خود را با غلبه شواهد بر عهده دارند. در پرونده‌های جنایی، دادستانی معمولاً وظیفه اثبات ادعاهای خود را فراتر از شک منطقی بر عهده دارد (Practical law.com, UK). در میان چندین فرآیند درگیر در یک سیستم عدالت کیفری، فرآیندهای جرم‌انگاری و حقیقت‌یابی وجود دارند. از طریق اولی، دولت جرائم را تعریف می‌کند، بنابراین مرزهای قانون کیفری را تعیین می‌کند. از طریق دومی دولت ثابت می‌کند که حقایق شاکله جرم به دست آمده است. در هر دو فرآیند، دولت باید بار اثبات را به دوش بکشد (Tomlin, 2013: 44-66). این به این معنی است که دولت باید دلایلی برای جرم‌انگاری یک رفتار خاص، از یک سو و از سوی دیگر، برای یافتن حقایقی که مصداق آن رفتار هستند، ارائه دهد (A. von Hirsch, 2011: 19-32 & Husak, 2008: 99-100 and Simester).

اما در مجموع مداخله کیفری دولت در فرایند اثبات دلیل، باید با طراحی چارچوبی باشد که مداخله موجه کیفری در درون آن شکل گیرد؛ زیرا مداخله کیفری در زمینه بار اثبات باید با رویکردی تکثرگرا به طور خاص در مقابل برداشتی که آن را نقض حق آزادی فردی می‌داند، بایستد و همان گونه که قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری با دقت خاصی، قواعد و مقررات و روش جستجوی ادله جرم و روش‌های اثبات را تبیین می‌نماید، باید ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول و قواعد قانونی را که سیستم دادرسی موظف به تبعیت از آن‌هاست، مشخص کند.

هنگامی که دولت عنصری از جرم را شناسایی کرد، نمی‌تواند دفاعی ارائه کند که به طور کامل یا جزئی با چنین عنصری همپوشانی داشته باشد (Robinson, 1982: 204-208) و سپس مسئولیت اثبات این دفاع را بر عهده متهم بگذارد و پس از اینکه متهم که بار اثبات بر عهده اوست، بار شواهد مربوطه را برآورده کرد، دفاعیاتی که با عناصر جرم تداخل دارند را باید با رعایت استانداردهای قابل اجرا توسط دادستان رد شود، در غیر این صورت، دولت تعهد خود را برای اثبات گناه متهم نقض خواهد کرد (Picinali, 2014: 3-4). دلیل در ادبیات فرانسه به معنای شاهد و نشانه است (Ancel, 1994). البته در حقوق فرانسه، تعاریف متعددی از دلیل، از جمله اثبات وجود امری در روش‌های معتبر قانونی شده است (Cornu, 2000: 505). بار اثبات دلیل در حقوق فرانسه به این معناست که هر یک از طرفین باید دلایل لازم را برای موفقیت دعوی خود اقامه کند و همه طرفین مکلفند اسنادی را که بر اساس ادعای آن‌هاست، به طرفین دیگر اعلام کنند. اصولاً هر دلیلی برای اثبات واقعیت قابل پذیرش است، مگر اینکه قانون خلاف آن مقرر کرده باشد.^۱ به طور کلی می‌توان گفت، هر شیوه‌ای که اثبات وجود و یا عدم وجود یک فعل ارتكابی یا درستی یا نادرستی یک قضیه را نشان می‌دهد، بار اثبات دلیل تلقی می‌شود (Rassat, 2007: 293).

تحصیل دلیل در حقوق فرانسه مجموعه قواعد قابل اجرا برای کشف جرم است (Pradel, 2000: 429). اگرچه هیچ روش کلی برای کشف تحت قوانین فرانسه در دسترس نیست، طرفین می‌توانند به مکانیسم‌های خاصی برای ارائه شواهد یا حفاظت از شواهد متوسل شوند (Thill-Tayara and Provost, 2022).

با توجه به اینکه در حقوق فرانسه، استاندارد خاصی برای ارائه و اثبات دلیل وجود ندارد، هر یک از طرفین می‌تواند از دادگاه درخواست کند تا دستور اقدامات تحقیقاتی را برای دسترسی به مدارکی که اشخاص ثالث در اختیار دارند و برای حل اختلاف ضروری تشخیص داده شده است، صادر نماید. دادگاه می‌تواند درخواست را بپذیرد، مشروط بر اینکه با توجه به همه شرایط موضوعه مشروع و متناسب باشد. بر این اساس، دادگاه استیناف پاریس اخیراً از صدور دستور افشای گزیده‌ای از نسخه محرمانه

امتناع کرد، زیرا شاکی نتوانسته دادگاه را در مورد لزوم به دست آوردن چنین شواهدی متقاعد کند (Mačkić, 2018: 158-228). مطابق ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بازپرس بر طبق قانون، کلیه اقدامات تحقیقاتی برای کشف واقعیت مفید را ارزیابی می‌کند و اقدام می‌نماید. این تحقیقات خواه به نفع یا ضرر شخص باشد، انجام می‌شود. البته گاه قانون‌گذار اقامه دلیل بر اثبات عللی که مانع تعقیب کیفری متهم می‌شوند را بر عهده او می‌گذارد (Boricand, 2005: 63).

۲. خشونت خانگی^۱

خشونت در لغت به معنای «درشتی، زبری، ناهمواری و تندخویی» است (اسدی، ۱۳۸۸: ۴۶-۷۶). خشونت سوءرفتارهایی است که علیه فردی توسط فرد دیگر اعمال می‌شود و می‌تواند با آزارهای جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی یا جنسی همراه باشد. همین‌طور یک بیماری اجتماعی تلقی می‌شود که از قرن‌ها پیش وجود داشته و هنوز جامعه بشری را تحت تأثیر قرار داده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۹). افراد جامعه خشونت خانگی را با نام‌های مختلفی از جمله سوءاستفاده از شریک جنسی، کتک زدن همسر، ضرب و شتم، آزار زناشویی و همسر آزاری می‌شناسند. خشونت خانگی یک رفتار واحد نیست، بلکه الگوی بسیاری از رفتارهای فیزیکی، جنسی و یا روانی توسط یک شریک صمیمی فعلی یا سابق است. خشونت خانگی مستقل از سن و جنسیت است (Gail 2005: 206-212).

در ایران، جرم‌انگاری نکردن مستقل خشونت‌های خانگی، به رسمیت شناختن بزه‌دیدگی ناشی از این خشونت را با معضلات و مشکلاتی در محاکم مواجه ساخته است و به جهت نبودن عنوان مجرمانه مستقل، در اغلب موارد بزه‌دیدگی در مراجع قضایی به رسمیت شناخته نمی‌شود. یا در نتیجه کفایت نداشتن ادله استنادی ناشی از سختی اثبات جرم به دلیل وقوع آن در محیط خصوصی خانواده، با قرار منع تعقیب مواجه می‌شود (آذری و بابازاده، ۱۳۹۸: ۲۵۹-۲۸۰). از دلایل سخت بودن اثبات این جرم، این است که تنها جرمی است که قربانی در آن احساس گناه یا احساس مسئولیت در آزار می‌کند. به‌طوری‌که حتی یک محقق باتجربه، شایسته نمی‌تواند به‌طور حتم، این جرائم را کشف کند. اهمیت کشف صحیح این جرم به این علت است که این نوع تحقیقات ممکن است مسیر زندگی بسیاری از قربانیان را برای همیشه تغییر دهد (Huge, 2008).

قانون کیفری انگلیس به صراحت خشونت خانگی را جرم‌انگاری نمی‌کند (Platek, 2009). تا همین اواخر در حقوق انگلیس، هیچ تعریف مشترکی از آزار خانگی در میان تمام افراد ذینفع وجود نداشت و تا سال ۲۰۰۴ تعریف جامع و مانعی از خشونت خانگی ارائه نشده بود (Barnish, 2004) و تنها تعریف مختصری از این جرم وجود داشت. فقدان یک تعریف مشترک از آزار خانگی منجر به تفسیرهای نادرست

و مانع از تحقیقات و توصیه‌های سیاستی با آژانس‌های مختلف و دولت با استفاده از انواع تعاریف مختلف شده است (Cook et al., 2006).

در سال ۲۰۱۲، دولت انگلیس تعریفی عام‌تر از خشونت خانگی بیان کرد: خشونت خانگی عبارت است از هر حادثه یا الگوی رفتارهای کنترل‌کننده (مجموعه‌ای از اعمالی که برای تحت‌الشعاع قرار دادن و یا وابسته کردن یک فرد از طریق منزوی کردن او از منابع حمایتی، بهره‌برداری از منابع و ظرفیت‌های آن‌ها برای منافع شخصی، محروم کردن او از وسایل مورد نیاز برای استقلال، مقاومت و فرار و تنظیم آن‌ها طراحی شده‌اند)، رفتارهای اجباری (یک عمل یا الگوی اعمال شامل حمله، تهدید، تحقیر و ارباب یا سایر سوءاستفاده‌ها که برای آسیب رساندن، تنبیه یا ترساندن قربانی استفاده می‌شود)، رفتارهای تهدیدآمیز، خشونت یا سوءاستفاده بین افراد ۱۶ ساله یا بالاتر که بدون در نظر گرفتن جنسیت، شرکای صمیمی یا اعضای خانواده هستند یا بوده‌اند. خشونت خانگی می‌تواند شامل موارد خشونت‌های روانی، جسمی، جنسی، مالی، عاطفی باشد، اما محدود به این موارد نیست.

در کشور فرانسه، از آغاز قرن نوزدهم، خشونت خانگی بر اساس مواد ۳۰۹ و ۳۱۱ قانون جزایی فرانسه قابل مجازات گردید. در سال ۲۰۰۶، بر مبنای نظرسنجی ملی در مورد خشونت علیه زنان، ضرورت نیاز به چارچوب قانونی بهینه‌ای در رابطه با خشونت خانگی را روشن نمود. در سال ۲۰۱۹، فرانسه میزگرد گرنل را راه‌اندازی کرد، یک بحث سراسری در مورد خشونت خانگی که وزرا، مدیران انجمن‌های خانواده‌ها و قربانیان را گرد هم آورد. این مناظره در پی مشاهده قتل ۱۳۰ زن توسط همسران آن‌ها در سال ۲۰۱۷ به ابتکار نخست‌وزیر ادوارد فیلیپ برگزار شد. شرکت‌کنندگان در میزگرد گرنل راه‌های پیشگیری از این جنایات و نحوه مجازات مجرمان را مورد بحث قرار دادند. از این بحث نتیجه مهمی حاصل شد: در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۹، یک بیانیه مطبوعاتی حاوی ۳۰ اقدام برای مبارزه با آفت خشونت علیه زنان، جلوگیری از خشونت و حمایت از زنان و کودکان آن‌ها منتشر شد. این ۳۰ اقدام عمدتاً در حال اجراست.^۱ گزارش هنریون خشونت خانگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «خشونت مورد مطالعه به‌عنوان یک عامل مشترک دارای یک فرآیند تکاملی است که طی آن شریک زندگی در چارچوب یک رابطه ممتاز، سلطه‌ای را اعمال می‌کند که با پرخاشگری فیزیکی، روانی یا جنسی بیان می‌شود» (Rapport Henrion, 2001).

۳. تطبیق بار اثبات دلایل در حقوق ایران با حقوق کیفری انگلیس و فرانسه

۳-۱. اقرار

در حقوق ایران اقرار در دو معنا به‌کار می‌رود، معنای اعم آن اخبار به حق است که ممکن است به نفع

خود و خواه به ضرر خود باشد. چنان که در نبوی مشهور «اقرار العقل علی انفسهم جایز»، قید علی انفسهم بیانگر اقرار در این معناست و قانون‌گذار عبارت مرکب اخبار به ضرر خود (اقرار) و اخبار به نفع خود (ادعا) را اقرار نامیده است (شهیدی، ۱۳۷۵: ۱۱۱). اقرار در معنای اخص آن تنها اخبار به ضرر خود است به‌طوری که مفهوم اقرار در ماده ۱۲۵۹ در همین معنا بیان گردیده است (فصیحی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۴). اقرار ازجمله مهم‌ترین دلایلی است که دارای نقش بسیار مهمی در اثبات دعاوی کیفری دارد. به‌طوری که در نظام حقوقی ایران بر سایر دلایل برتری داشته و تنها در صورتی اعتبار آن ساقط می‌شود که قاضی بر مغایرت آن با واقع یقین حاصل نماید. در فقه نیز اقرار، مهم‌ترین دلیل اثبات دعوی و درواقع سیدالادله یا ملکه دلایل نامیده می‌شود (دیانی، ۱۳۸۲: ۱۳).

اما چون اقرار ازجمله ادله‌ای است که از ارزش اثباتی والایی برخوردار است و قاطع و خاتمه‌دهنده دعواست، پاره‌ای از مأموران قضائی برای هر چه زودتر به نتیجه رسیدن و پایان بخشیدن به دادرسی و نیز مؤثر بودن اقرار در محکومیت مقر و حقانیت خواهان، به شکنجه متوسل می‌گردیدند. خوشبختانه قوانین اساسی با اعلام ممنوعیت این امر و تعیین مجازات برای مرتکبان، به بی‌اعتباری اقرار ناشی از شکنجه تصریح نمودند، (اصل ۳۸ قانون اساسی) اما در عمل توسل به شکنجه به‌طور کلی محو نگردید. در حقوق فرانسه اقرار طرفین، اظهاراتی است که توسط یک طرف یا نماینده مجاز آن در مقابل دادگاه ارائه می‌شود و دلیل کاملی بر علیه شخصی است که آن را انجام می‌دهد. با این حال، مشمول هیچ شرایط رسمی نیست (ماده ۱۳۵۴ قانون مدنی).

در فرانسه، رویه کیفری سیستم مختلط اعمال می‌گردد، آیین دادرسی کیفری فرانسه دارای ویژگی‌های اتهامی فراوانی است، اما سنت تفتیش عقاید نیز قابل توجه است. اصل فرصت، مبنای تعقیب کیفری در بررسی ادله اثبات فرانسه است که به‌طور مثال، با توجه به این اصل، قبل از استماع شهود توسط قاضی (ماده ۵۳۶، ۴۴۲، ۴۸، ۳۲۸، ۲۷۲ - F-CCP) وکیل متهم، دادستان و قربانی همگی حق دارند از متهم و سایر شهود در دادگاه سؤال کنند. آن‌ها ممکن است مستقیماً و قبل از بررسی ادله توسط قاضی، این کار را با درخواست از رئیس دادگاه انجام دهند تا به آن‌ها اجازه صحبت بدهد (ماده ۳۱۲-۴۴۲ - F-CCP) (Hodgson, 2010: 9). قاضی پرونده، سؤالات را می‌پرسد، جلسه را رهبری و هدایت می‌کند و ارزش شواهد ارائه شده در هر پرونده را تعیین می‌کند (Alberstain, 2019: 597 Coscas). در مورد ارزیابی شواهد در فرانسه، قاعده اساسی این است که یک جرم کیفری را می‌توان با هر مدرکی اثبات کرد. قاضی آزاد است که این شواهد را همان‌طور که مقتضی می‌داند، ارزیابی کند. ماده ۴۲۸ بیان می‌کند که «اعتراافات، مانند هر نوع مدرک دیگری، به ارزیابی آزادانه قضات واگذار می‌شود» (Art. 428. F-CPP).

این بدان معناست که حتی اقرار متهم در جلسه اصلی باید توسط قاضی مانند هر مدرک دیگری ارزیابی شود. به منظور کاهش حجم فزاینده پرونده‌های دادگاه‌های جنایی، قانون طیف گسترده‌ای از رویه‌های جایگزین را در بر گرفته است (and Alberstain, previous: 600-604 Coscas). یکی از این اقدامات جدید مستلزم اعتراف به گناه از سوی متهم است که به عنوان (CRPC)^۱ شناخته می‌شود.

قضاوت بر اساس اعتراف متهم، در قانون کیفری فرانسه، در سال ۲۰۰۴ معرفی شد و اغلب در نظر گرفته می‌شود که الهام گرفته از توافقنامه ایالات متحده است. مقوله CRPC در مورد جرائمی اعمال می‌شود که کمتر از ۱۰ سال حبس دارند ۵۵ و می‌تواند توسط دادستان یا متهم یا وکیل وی پیشنهاد شود. مجازات پیشنهادی برای متهم نمی‌تواند از یک سال حبس یا نصف حداکثر مجازات آن جرم تجاوز کند. ابتدا دادستان، متهم و وکیل وی در مورد حقایق پرونده گفتگوی مختصری دارند. وکیل باید در حین اقرار متهم و اقامه دعوی توسط دادستان، حضور داشته باشد. متهم ده روز فرصت دارد تا در مورد قبول یا رد دادخواست دادستان تصمیم بگیرد. در صورت امتناع متهم از اعتراف به جرم یا رد توافقنامه، پرونده وی به محاکمه ارسال می‌شود. اگر او به گناه خود اقرار کند و توافقنامه دادرسی را از دادستان بپذیرد، روند به مرحله دوم که به آن همسان‌سازی^۲ می‌گویند، منتقل می‌شود، جایی که قاضی باید در طی یک جلسه دادرسی علنی توافقنامه را تأیید یا رد کند. در حین انطباق، دادگاه صلاحیت بررسی حقیقت رویه را دارد. بدین معنا که اگر قاضی در مورد صحت اقرار متهم در پرونده، شک داشته باشد یا حکم پیشنهادی را متناسب با شرایط پرونده نداند، درخواست را رد خواهد کرد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که دادگاه اختیار قبول یا رد پیشنهاد حکم را دارد، اما اختیاری برای اصلاح آن ندارد (Martinović and Radić, 2021). در حقوق انگلیس، بخش (PACE(1) 82) اعتراف را چنین تعریف می‌کند: هرگونه اظهاراتی که به طور کامل یا جزئی و به هر طریقی، علیه شخصی که آن را بیان کرده باشد؛ اعم از اینکه توسط یک فرد عاقل و بالغ مطرح شده باشد یا نه (<https://www.cps.gov.uk/lega>). با توجه به اینکه کشور انگلستان مبتنی بر نظام اتهامی است که بر پایه حضور طرفین دادرسی بوده و قاضی در آن از نقش یک مفتش برخوردار نبوده و صرفاً به ادله ارائه شده طرفین گوش می‌دهد. طبعاً در چنین نظامی ادله شفاهی همچون اقرار جایگاه بالایی در اثبات جرم دارا می‌باشند؛ بنابراین دفاعیات طرفین دادرسی در جریان رسیدگی و اعترافات بیان شده توسط آن‌ها بیشترین نقش را در این نظام ایفا می‌کنند. البته وقتی سخن از ادله شفاهی در انگلستان می‌شود، منظور ادله‌ای است که به طور مستقیم از منبع اصلی به دست آمده باشد.

سیستم عدالت کیفری برای انگلستان و ولز، از سال ۱۹۰۷، نهادی برای تشخیص تخلفات قضایی، ایجاد کرده است. با این حال، اعتراف به جرم، منجر به ایجاد پرونده‌هایی خاص و دشوار جهت قضاوت

1. comparution sur reconnaissance prealable de culpabilité.

2. l'homologation

در سیستم کیفری مذکور شده است (Nobles and Schiff, 2020).

همچنین در سیستم‌های حقوقی رومی ژرمنی اصل بر تجزیه‌پذیری اقرار کیفری است؛ الگویی که در کشورهای نظیر فرانسه جاری است. لکن در حقوق کشورهای متعلق به خانواده کامن‌لا مانند انگلیس، کانادا و ایالات متحده آمریکا اصل تجزیه‌ناپذیری اقرار علاوه‌بر امور غیرکیفری، در دعاوی کیفری نیز پذیرفته شده است؛ زیرا در این کشورها این ویژگی نظام اتهامی که جرم کیفری را از مصادیق جرم مدنی می‌داند، هنوز حفظ شده است. همین رویکرد نیز در میان کشورهای اسلامی ملاحظه می‌شود؛ چنانکه کشورهای مانند لیبی و مراکش که متأثر از نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی هستند، موضع نخست را اختیار نموده‌اند و در نقطه مقابل کشورهایی مانند سودان که همسو با نظام‌های حقوقی آنگلوساکسون هستند، نگرش دوم را برگزیده‌اند (برکات، ۲۰۱۰: ۵۵؛ محمد الرضی، ۲۰۰۳: ۵۲). در این میان، برخی از کشورهای اسلامی نیز به سمت رویکردهای بینابین (تفصیلی) حرکت کرده‌اند. به نظر نگارنده تجزیه‌پذیری اقرار کیفری در سیستم‌های حقوقی رومی ژرمنی موجب، مکتوم ماندن حقیقت و دشواری در اثبات جرائم می‌گردد. زیرا اشخاص ترجیح می‌دهند سکوت کنند و خود را از شر تجزیه‌پذیری اقرارشان رها کنند.

۲-۳. سند کتبی

در بررسی دیدگاه‌های اهل لغت، سند عبارت است از آنچه می‌توان بدان اعتماد کرد و آن را مدرک قرار داد (السند: مما یمكن الوثوق به والاستدلال به) (شرتونی، ج ۲: ۷۲۷). صاحب المصباح المنیر درباره تعریف سند می‌نویسد سند به معنای تکیه دادن به دیوار یا غیر آن است و آنچه را که بدان تکیه می‌شود، مسند گویند. در لغت‌نامه دهخدا نیز در ذیل واژه سند آورده است؛ سند آنچه بدان اعتماد کنند، مستند حجت نوشته تمسک دست‌آویز خط مکتوب که دائن به مدیون می‌دهد و حاکی از دین خود یا امری مانند آن باشد، اسناد نوشته‌ای، وام یا طلبی را معین کند (السند: ما استندت الیه من حائط و... و ما یستند الیه مسند: در فراز ۲۹ دعای جوشن کبیر از خداوند به‌عنوان سند یاد شده است که تکیه‌گاه همه است. «یاسند من لاسند له») (فیونی، ج ۱: ۳۹۵). در اصطلاح حقوقی نوشته‌ای که به‌منظور تحقق بخشیدن و اثبات واقعه حقوقی تنظیم می‌شود، سند نامیده می‌شود. در این زمینه ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی یکی از ادله اثبات دعوی را سند کتبی دانسته است (عامل، ۱۳۸۹: ۲۶).

در حقوق داخلی، آنچه سندیت سند را محرز می‌نماید، دو امر است. اول «قابلیت استناد» است که در این تعریف نیز آمده است و دومین امر که در تعریف سند لحاظ شده «حاصل فعل و تراوش اندیشه انسان» بودن سند است. از این رو، در این تعریف لفظ «نوشته» خصوصیتی ندارد و به اطلاق خود شامل هرگونه نوشته فارغ از محل نوشتن و یا شکل نوشتن و یا حتی وسیله نوشتن است (دیانی، ۱۳۸۴: ۵۴). در

مفهوم خاصی که حقوق از سند دارد، آن را به عنوان دلیل یا نهایت دلیل دلیل می‌شناسد، درحالی که در مفهوم عام شامل تمام اسناد و مدارک و سوابقی است که در روابط و تعاملات (اعم از حقوقی و غیرحقوقی) بین افراد ردوبدل می‌شود (وصالی ناصح، ۱۳۹۴: ۶۶).

در حقوق داخلی سند رسمی واجد جایگاه ویژه و قدرت اثباتی است که خودش، خودش را اثبات می‌کند. هم مفاد آن را و هم تاریخ آن را اثبات می‌کند و به دلیل دیگری برای اثبات خود نیاز ندارد؛ بنابراین سند از جهاتی در عرض حکم قطعی و نهایی دادگاه قرار می‌گیرد، لذا سند هم جنبه ثبوتی حق را داراست و هم واجد جنبه اثباتی حق است.

سند در حقوق انگلیس، شکلی است که روی آن نوشته یا کتبی‌ای وجود دارد و عینیت اطلاعات معنادار حقوقی را در بر می‌گیرد که مانند یک سند کاغذی می‌تواند اطلاعات را به خواننده منتقل کند. کتبی بودن شرط اعتبار سند نیست و موارد دیگری مانند واسطه‌های الکترونیک که به منظور تحقق بخشیدن و اثبات واقع‌ای حقوقی به کار گرفته شوند در تحلیل حقوقی در زمره اسناد قرار می‌گیرند. سند حقوقی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- فیلم؛^۱

- نوار؛^۲

- سوابق کامپیوتری.^۳

مدرك مستند^۴ به هر سندی گفته می‌شود که برای بررسی محتویات آن توسط دادگاه ارائه می‌شود. مدارک مستند باید:

- ارائه شده توسط شاهی که باید اهمیت سند را بیان کند (زیرا خود سند نمی‌تواند صحبت کند و توضیح دهد)؛

- همراه با شهادت، گاهی اوقات به این «صحبت کردن با سند» گفته می‌شود.

در صورتی که نوشته یا نوشته روی سند توسط شاهد ارائه‌دهنده سند به عنوان دلیل نوشته نشده باشد، می‌توان آن را شایعه تلقی کرد (<https://www.cps.gov.uk>).

بر اساس قانون رویه کیفری صادر شده تحت بخش ۲ قانون آیین دادرسی کیفری و تحقیقات ۱۹۹۶، هر افسر پلیسی که در مورد جرائم ادعایی تحقیق می‌کند، وظیفه دارد مطالبی را که ممکن است مرتبط با تحقیقات باشد، ضبط و نگهداری کند به عنوان یک قاعده کلی، دادگاه‌ها اسنادی که در انتظار محاکمه و پس از ارتکاب به جرم هستند را به دادرسرا واگذار می‌کنند. وظیفه دادرسانی است که تمام مراقبت‌های لازم

1. video

2. tape record

3. Computer Records Evidence

4. Documentary evidence

را برای ایمن نگه داشتن مدارک حقوقی، از گم شدن یا آسیب انجام دهد. همچنین باید همکاری با وکیل مدافع به منظور امکان دسترسی معقول به اسناد و مدارک، برای تولید آثار و شواهد در دادگاه به منظور بررسی را فراهم کند. پلیس تمام آثار اصلی را حفظ خواهد کرد، مگر اینکه دریافت آن‌ها در دادستانی سلطنتی کاملاً ضروری باشد. همچنین اهمیت سند در حقوق انگلیس از جهت لزوم امنیت معاملات است و موجب گردیده است که مالکیت و انتقال آن، تنها پس از ثبت سند در دفتر املاک محقق شود. در حقوق کامن‌لا در تشریح این اثر انتقالی معتقدند برخلاف اکثر نظام‌های رومی‌ژرمنی که از ثبت حق مالکیت سخن می‌گویند، در حقوق انگلیس از ایجاد مالکیت به موجب ثبت (گویی ثبت خود حقیقت است، هرچند که مخالف واقعیت باشد) سخن گفته می‌شود. به طوری که این گزاره در حقوق انگلیس به سیستم ثبت برابر است با حق، تفسیر می‌کنند. پس مفاد قرارداد در دفتر ثبت املاک، به عنوان سند مالکیت می‌تواند در حیطه ادله تعیین کننده باشد (Cooke, 2003: 129; Carruthers, 2015: 1290; Gray & Gray, 2011: 90). در حقوق فرانسه، به موجب قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰، مفهوم سند به عنوان یک نوشته را کاملاً انتزاعی توصیف کرده و آن را مجموعه‌ای از علامت‌ها، صرف نظر از قالب و نحوه انتقال آن‌ها دانسته است (Art 1369). به طور کلی سند را می‌توان به دو دسته سند رسمی و سند عادی تقسیم کرد (Brown, 1953: 66). طبق مواد ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰، سند به عنوان دلیل قاطع دعوا حتی بر اعلامات ضمنی نیز در صورتی که ارتباط مستقیم با مفاد سند داشته باشد، حاکم خواهد بود. اسناد رسمی که بر اساس ماده ۱۳۱۷ قانون توسط مأموران رسمی تنظیم می‌شوند، از جایگاه بسیار خاصی برخوردارند و زمانی که به این اسناد در دعاوی به عنوان ادله اثبات دعوا، استناد می‌گردد، دفاع در برابر آن‌ها ساده نبوده و به سختی می‌توان آن را رد کرد زیرا که این امر، اعلام شیوه الزام‌آور ثبت اشتباه را به دنبال دارد (Kayniya, 2008: 77).

مقام عمومی نمی‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم در به دست آوردن شواهد غیرقانونی توسط یک شخص خصوصی مشارکت کند. هیچ ماده قانونی به قاضی کیفری اجازه نمی‌دهد که ادله اثباتی را که طرفین ارائه می‌کنند صرفاً به این دلیل که آن‌ها به طور غیرقانونی یا غیرمنصفانه به دست آمده‌اند، حذف کند. تشخیص ارزش اثباتی ادله در اجرای ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری تنها بر عهده مقامات قضایی است. این اصل یادآوری می‌کند، اسنادی که به طور غیرقانونی توسط یک طرف به دست آمده است باید مورد بررسی قرار گیرد، آن اسناد را نمی‌توان بی اعتبار تلقی نمود، تنها به این دلیل که آن اسناد، ناشی از اقدامات دادرسی انجام شده توسط افسران یا مأموران پلیس نیستند.

ارائه رونویسی از یک ضبط مخفیانه یا حتی یک فایل کامپیوتری که به صورت پنهانی به آن دستبرد زده شده و به دادگاه به عنوان سند ارائه گردیده را نمی‌توان از اعداد دلایل خارج کرد. عموماً تصور می‌شود که مقامات دولتی پس از در اختیار داشتن این شواهد، نمی‌توانند از آن غافل شوند، بلکه باید از آن در جهت افشای حقیقت استفاده کنند. این همان چیزی است که اتاق جنایی طی دو حکم صادر شده در ۳۱ ژانویه

۲۰۱۲ یادآور شده است. قوانین آیین دادرسی کیفری برای قضات، ضابطان و مأموران پلیس قضایی الزام‌آور است. آن‌ها فقط می‌توانند مأموریت خود را در جمع‌آوری مدارک و جستجوی مرتکبین جرائم طبق قانون انجام دهند. مدرکی که به‌طور غیرقانونی توسط یک فرد به دست آمده است به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند «به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط یک مقام عمومی رد شود» بنابراین مقامات عمومی نباید در هیچ مرحله‌ای از به دست آوردن شواهد ارائه شده توسط یک طرف دعوا مداخله کرده باشند (Cordier, 2016: 797-812)

۳-۳. شهادت

شهادت در لغت از ریشه «شَهِدَ» و به معنای ادای خبر قاطع آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۸۳۶). در زبان فارسی، شهادت، گواهی و به شاهد گواه گفته می‌شود (جعفر لنگرودی، ۱۳۹۳: ۳۹۷). شهادت یکی از ادله اثبات دعوی در دادگاه‌های تمام کشورهاست که حدود استفاده و درجه اعتبار آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. زیرا افراد در اجتماع به‌مجرد اینکه در مرحله ثبوت، حقی را دارا باشند، توانایی آن را ندارند که در مقابل دیگران آن حق را مورد استناد قرار دهند. در نتیجه مکلفند در مرحله دادخواهی هر آنچه را که حق خود می‌دانند به اثبات برسانند. از این جهت ادله اثبات دعوا به‌عنوان وسیله اثبات حق شناخته می‌شود و در صورتی که متناسب با نیازهای افراد جامعه و مثبت حقوق آن‌ها نباشد، تمام فرآیند رسیدگی به دعوا را بی‌اثر می‌کند (سپهری و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۰۲). به همین دلیل شهادت به‌عنوان یکی از ادله اثباتی شرعی در نظام حقوقی ایران بیان می‌شود.

شهادت به‌عنوان یکی از دلایل محکم در اثبات حق، ادعا و یا رد آن مورد پذیرش فقها و حقوق‌دانان بوده است. البته شهادت در محاکم ایران در صورتی پذیرفته است که هم شاهد، واجد شرایط باشد و هم شهادت طبق ضوابط و مقررات قانون‌گذار باشد و هم حدنصاب و جنسیت مقرر در قانون رعایت گردد که از مجموع آن‌ها با عنوان شرایط کمی و کیفی شهادت یاد می‌شود (احمدوند و تال، ۱۳۹۹: ۳۱). در صورتی که شهادت با سند رسمی در تعارض باشد، به موجب ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی ایران، شهادت دعوی را که در تقابل با مندرجات سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در دادگاه احراز گردیده است، باشد، اثبات نمی‌کند. این ماده با نظریه شورای نگهبان، ابطال شده است. البته مرحوم دکتر کاتوزیان بر این باور بودند که شورای نگهبان‌شان ابطال قوانین مصوب مجلس را ندارد. فلذا این ماده به قوت خود باقی است. در رابطه با تعارض شهادت و امارات قضایی میان حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد، به‌طوری‌که لنگرودی اماره قضایی را معتبر می‌داند، زیرا شهادت شهود، موجب ظن به مشهودّه است. در مقابل اماره قضایی موجب علم قاضی به واقع می‌گردد، از آنجایی ظن را توانایی مقابله با علم نیست، پس در تعارض اماره قضایی با شهادت شهود، اماره قضایی مقدم است (سپهری و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۱۱).

شهادت در حقوق انگلیس، در معنای خبر دادن از حادثه‌ای است که در گذشته رخ داده و در روند

دادرسی، به عنوان هرگونه اطلاعاتی که با هدف کمک به هیئت منصفه در تصمیم‌گیری در مورد ارتکاب جرم یا عدم ارتکاب جرم توسط ثالث ارائه می‌شود، تعریف شده است. شهادت در حقوق انگلیس، در دسته ادله مستقیم قرار می‌گیرد، زیرا حواس پنج‌گانه در آن دخیل هستند و به واسطه دیدن یا شنیدن تحقق پیدا می‌کند (Allen, 2004: 19). شرایط لازم برای شاهد در بخش ۵۳(۱) قانون عدالت جوانان و ادله کیفری (Evidence Act, 1999 Youth Justice and Criminal) چنین مقرر شده است: در تمامی مراحل رسیدگی کیفری همه افراد در هر سن و سالی که باشند می‌توانند ادای شهادت نمایند و اظهارات خود را بیان کنند و اظهارات شاهد باید واضح و قابل فهم باشد تا بتواند در سؤال و جواب متقابل طرفین شرکت نمایند. وظیفه شاهد تنها بیان مسموع و یا مرئی است و نباید استنباط یا اظهار عقیده شخصی خود را بیان نماید، زیرا اظهار عقیده درباره دیده‌ها و شنیده‌های شاهد، با قاضی است. اساساً برای کمک به کشف حقیقت یک پرونده، دادگاه شواهدی را دریافت می‌کند. در هر پرونده دادگاه، طرفین درگیر موظفند مدارکی را ارائه دهند که شهادت آن‌ها را تأیید کند. این امر هم برای مدعی یا دادستان و هم برای دفاع صادق است. بدون کمک شواهد پشتیبان، هر ادعایی که توسط هر یک از طرفین مطرح شود، بی‌ثبات خواهد بود و در معرض شکست قرار دارد (https://www.dracyottbrowne.co.uk). انواع شواهدی که احتمالاً بازرسان جنایی با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند عبارت‌اند از (سازمان تعقیب کیفری انگلیس و ولز، ۲۰۲۰): شاهد مستقیم؛ شاهد غیرمستقیم؛ شاهد اولیه و ثانویه؛ شاهد پزشکی قانونی؛ شاهد کارشناسی.

در حقوق انگلیس، کارشناس^۱ به نوعی شاهد است و برای کارشناس، لفظ شاهد به کار می‌رود. زمانی که هیئت منصفه یا قاضی اظهار نظر تخصصی افراد خبره را لازم بدانند، از آن‌ها دعوت می‌شود که استنباط و توضیح لازم را نسبت به موضوع به جهت دقت، در حیطه تخصص خود نظر کارشناسی را به دادگاه ارائه دهند. که این نظر، خود نوعی شهادت است (قرجهلو، ۱۳۸۷: ۷۵).

دادستان برای تصمیم‌گیری عادلانه، باید شهادت را همراه با هر واقعیتی که متهم ممکن است بخواهد در دفاع از خود مطرح کند را در پرونده‌های جنایی اثبات کند و دادسرا باید تمام ارکان جرم را اثبات نماید. یافتن حقیقت، بخشی از یک محاکمه کیفری است و با حکم آن دادگاه تصمیم می‌گیرد که آیا تمام عناصر جرم ثابت شده است یا خیر. دو طرف شواهد خود را در مقابل دادگاه ارائه می‌کنند تا نسخه خاصی از حقایق را تأیید کنند. سپس بر اساس تمام شواهد و محاکمه‌ای که در مقابل آن‌ها قرار دارد، این بر عهده دادگاه است که تصمیم بگیرد کدام نسخه را به عنوان حقیقت می‌پذیرد. بسته به نوع شواهد، قوانینی (که شامل قواعد دلیل و آیین دادرسی می‌باشد) وجود دارد که نحوه انجام این فرآیند را کنترل می‌کند. قوانین

مذکور تضمین می‌کند که متهم یک محاکمه عادلانه داشته باشد و به اشتباه محکوم یا ناعادلانه تبرئه نشود (https://www.bljsolicitors.co.uk).

در حقوق فرانسه، شاهد شخصی است غیر از طرفین، ثالث نسبت به رخداد و بیگانه نسبت به دعوی که در زمان وقوع واقعه مذکور، دارای شناختی شخصی از واقعه مورد نزاع است. شهادت در فرانسه بسیار حائز اهمیت است تا جایی که مطابق ماده (۱۱-۴۳۴) قانون مجازات فرانسه، هر فردی که به بی‌گناهی شخصی که به لحاظ اتهام جنایت یا جنحه‌ای تحت بازداشت موقت یا تحت تعقیب قرار گرفته آگاهی داشته باشد و بتواند دلایل و اظهاراتی دال بر بی‌گناهی وی ارائه دهد، ولی به صورت ارادی از حضور در مراجع قضایی یا اداری خودداری کند، مرتکب جرم ترک شهادت به نفع شخص بی‌گناه شده است (هنرمند، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۴). پس از دریافت شکایت، یک نماینده کمیسیون، تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد تا اطلاعات ارائه شده برای ارزیابی خود را تأیید کند و هرگونه گواهی مفید یا پشتیبان را به دست آورد. اولین بررسی، اغلب امکان تصمیم‌گیری در مورد صلاحیت کمیسیون را فراهم می‌کند. در صورت سازش نکردن طرفین، مرحله تحقیق با استماع عمیق نه تنها طرفین، بلکه شاهدان مفید یا حتی کارشناسان آغاز می‌شود. طرفین و شهود به مقر کمیسیون که جلسات استماع را اغلب به صورت غیرعلنی برگزار می‌کند احضار می‌شوند. تحت کنترل رئیس کمیسیون، هر عضو آن می‌تواند مستقیماً از شهود سؤال پرسد. در صورتی که وکیل بتواند به شاکی کمک کند، از شهود وی در غیاب طرف مقابل بازجویی می‌شود. سپس دفاعیات متهم و شهود او در غیاب شاکی مورد استماع قرار می‌گیرد. جلسات استماع بر اساس ضبط جلسه و یادداشت‌های مختصر آن به رونویسی کامل توسط دبیر کمیسیون منجر می‌شود. برای پاسخ به سؤالات مطرح شده، شاهد از مصونیت در برابر تعقیب مدنی یا کیفری برای اظهارات خود در کمیسیون بهره‌مند است. ترکیب این دو ماده به کمیسیون این امکان را می‌دهد که تحقیقات عمیقی را انجام دهد و اعترافات را با سهولت بیشتری دریافت کند. با این حال، در صورت اثبات صحت شکایت، این امر منجر به ضرر مضاعف می‌شود. در صورت تعقیب کیفری بعدی نمی‌توان از اقرار شاهد در مقابل کمیسیون علیه وی استفاده کرد. شاکی باید چندین بار شهادت دهد و اظهارات خود را تکرار کند: در برابر پلیس، در مقابل کمیسیون، سپس در دادگاه یا شورای انضباطی که پرونده را تصرف کرده است (Moatty, 2020: 182-198).

۴-۳. سوگند

سوگند که معنای قوت و قدرت است، در عربی به آن قسم، حلف و یمین گفته می‌شود که غالباً با فعل خوردن همراه بوده و هنوز هم متداول است (مختاری، ۱۳۹۲: ۲۳۶). سوگند به عنوان ضعیف‌ترین دلیل در بین ادله، تنها برای اثبات جنایات وارده به نفس اعم از دیه و قصاص نفس موضوعیت دارد و در اثبات

جرائم تعزیری و حدی، هیچ‌گونه توان و ارزش اثباتی ندارد مگر از جنبه حق الناس و ضرر و زیان ناشی از جرم (فدایی، ۱۴۰۱: ۱).

قانون‌گذار به‌عنوان یکی از دلایل سوگند را در ردیف چهارم ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی آورده است و در تعریف آن در ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته که «سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند است.» در صورت وجود سایر ادله، مانند شهادت شهود و اقرار، توسل به سوگند موجبی ندارد. زیرا در اعتبار سوگند میزان اعتقاد فرد که سوگند می‌خورد از اهمیت زیادی برخوردار است که این امری است درونی که به راحتی توسط دیگران قابل تشخیص نیست (فدایی، ۱۴۰۱: ۱۳).

در حقوق فرانسه، سوگند یک اعلامیه رسمی است که در برابر قاضی انجام می‌شود و از آنجایی که فرانسه یک کشور جمهوری خواه و سکولار است، سوگند نه بر کتاب مقدس و نه بر هیچ شیء عبادی یا ارجاع به هیچ اعتقادی، حتی اگر یکی از طرفین آن را بخواهد، گرفته نمی‌شود. فرمول سوگند به هیچ دین و فلسفه‌ای اشاره ندارد. در اجرای مفاد ماده ۲۱۱ قانون آیین دادرسی جدید، شهود قبل از شهادت سوگند یاد می‌کنند که «راست را بگوید». بر اساس ماده ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۹ قانون فرانسه، سوگند قضایی بر دو قسم است: الف. درجه سوگندی که یکی از طرفین به دیگری موکول می‌کند تا حکم دعوی را منوط به آن کند: «سوگند قاطع» نامیده می‌شود؛ ب. سوگندی که خودبه‌خود توسط قاضی به یکی از طرفین ارجاع می‌شود (civil, articles 1357 et s Code). هنگامی که سوگند برای تکمیل یک دلیل کتبی مقدماتی اقامه می‌شود، آن را «سوگند تکمیلی» می‌نامند. این دو نوع سوگند یک روش اثبات را تشکیل می‌دهند (articles 211, 317 et s, Code de procédure civile).

در حقوق انگلیس، هر دادگاه، قاضی، دادگستری، افسر، کمیسیونر، داور یا شخص دیگری که طبق قانون یا با رضایت طرفین، اختیار شنیدن، دریافت و بررسی شواهد را دارد، بدین وسیله این اختیار را دارد که برای همه شاهدان سوگند بدهد (ماده ۱۶ قانون ادله ۱۸۵۱). سوگند با کتاب مقدس یاد می‌شود، اما اغلب افراد تصدیق می‌کنند، به دلیل اینکه اعتقاد دارند استفاده از کتاب مقدس به این صورت نادرست است. همچنین در مواردی که دادگاه آمادگی سوگند دادن بر مبنای مذهب شاهد را نداشته باشد، تصدیق جایگزین سوگند می‌شود. بعلاوه گواهی شاهدان نیز باید به قید سوگند یا تصدیق باشد (اعتمادی و مداب، ۱۴۰۱: ۲۷۹).

۴. تطبیق بار اثبات در خشونت خانگی

در حقوق داخلی طبق بیانات البینه علی المدعی، مقام تعقیب ملکف به اثبات بزهکاری متهم در قبال دادگاه است و لازمه منطقی قاعده این است که متهم تکلیفی بر اثبات بی‌گناهی خود ندارد و دادسرا، به

نمایندگی از سوی جامعه و یا شاکی خصوصی است که باید نقض مقررات از سوی متهم را به اثبات رساند (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۵). لکن اگر بار اثبات دلیل معکوس گردد این اثر مورد تعرض قرار گرفته و تغییر می‌یابد به‌طوری‌که بار اثبات دلیلی که قاعداً بر عهده مقام تعقیب است، استثنائاً بر عهده متهم قرار می‌گیرد که باید بی‌گناهی خود را به اثبات برساند (فضائلی: ۳۰۱). در اثبات برخی جرائم نواقص و کاستی‌هایی وجود دارد. در حوزه خشونت خانگی، برای اثبات آن به دلیل فقدان شهود، عدم اقرار آزارگر و... چالش‌هایی وجود دارد که این چالش‌ها هم در عرصه اجرا، یعنی شکایت و مراجعه به مراجع انتظامی، قضایی و پزشکی قانونی و هم در عرصه قضایی و رسیدگی در محاکم دادگستری تأثیر گذاشته و مانعی بر سر راه احقاق حقوق در بزه‌دیده خشونت خانگی است (فروغی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۱: ۲).

قانون‌گذار در این راستا، تمهیداتی را در نظر گرفته است. به‌طوری‌که دادگاه در بسیاری اوقات، منحصراً بر اساس توصیفات شاکی و اظهارات او تصویری از وضعیت به دست می‌آورد و مبنای تصمیم‌گیری دادگاه، بیانات افرادی است که مورد خشونت قرار گرفته‌اند. دادگاه می‌تواند از روش دادرسی موسوم به دادرسی با استفاده آزادانه از انواع ادله جرم، مثلاً از طریق کسب اطلاعات تلفنی و یا مطابق مقررات رسمی، اقامه مدارک اثبات جرم، عمل نماید. همچنین باید به دستگاه قضایی این اختیار را داد که در مواردی که قاضی قرائن ظنی در دست دارد که بیانگر آن است که حرمت و جان افراد در خانواده در خطر است، مکانیسم حمایتی در نظر گرفته شود (رضوی، ۱۳۸۳: ۹). قانون‌گذار در مواجهه با بحران کیفری و وضعیت خاص بزه‌دیده در جرائم خشونت خانگی، لازم دانست که به دنبال ناکارآمدی و بحران نظام عدالت کیفری در حصول اهداف خود از جمله اصلاح، بازپروری و برقراری امنیت و انتقاد جدی بر رویکرد حداکثری شیوه‌های سنتی، برای تعقیب دعوای عمومی، به توسعه و افزایش اختیارات دادستان پرداخته است و با پیش‌بینی سازوکارهایی همچون میانجیگری، صلح میان طرفین و سیاست ترمیمی و قضازدایی، به کاهش و رفع خلأهای قانونی و پیشگیری از جرم خشونت خانگی پرداخته است (باباخانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶).

بنابراین، با توجه به اینکه در حقوق ایران، اصولاً حقوق و آزادی‌های فردی تا زمانی مورد حمایت قرار دارد که در تعارض با حقوق و آزادی‌های فرد دیگر و یا نظم عمومی اجتماع قرار نگیرد (جان استوارت میل، ۱۳۶۲: ۱۹۱-۲۳۸).

در مواردی که منافع اجتماعی به منافع فردی ترجیح بیشتری داشته باشند و فرض بی‌گناهی به‌طور مطلق در نظر گرفته شود و نتوان آثار آن را محدود نمود، به‌نحوی که متهم در پناه فرض بی‌گناهی بتواند آثار شدید و تهدید جدی علیه منافع افراد یا جامعه وارد کند، می‌توان در جرم خشونت خانگی، بار اثبات دلیل را معکوس نمود (موحدی، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل تدابیر عملی را در حذف خشونت علیه زنان بزه‌دیده

به طور خاص به کشورهای عضو سازمان پیشنهاد نموده است: الف. به طور دوره‌ای به بازنگری، ارزیابی و اصلاح قوانین، آئین دادرسی و رویه‌های قضائی خود، به‌ویژه قوانین کیفری خود اقدام کنند تا ارزش و کارایی آن‌ها را در حذف خشونت علیه زنان تضمین کنند و شرایطی را که خشونت علیه زنان را اجازه می‌دهد و یا به آن تمکین می‌کند حذف کنند؛ ب. قوانین کیفری و مدنی خود را در چارچوب نظام‌های حقوقی ملی خود مورد بازنگری، ارزیابی و اصلاح قرار دهند تا تضمین حاصل شود که کلیه رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان ممنوع می‌گردد و در غیر آن صورت، تدابیری در این زمینه بیندیشند؛ ج. قوانین کیفری خود را مورد بازنگری، ارزیابی و اصلاح قرار دهند تا تضمین حاصل شود که اشخاصی که در موضوعات قضائی مربوط به جرائم خشونت‌آمیز به دادگاه آورده می‌شوند یا محکوم به چنین جرائمی می‌شوند می‌توان آن‌ها را در تملک و استفاده از اسلحه و سایر سلاح‌های قانونمند، در چارچوب نظام‌های حقوقی خود، محدود کرد؛ می‌توان افراد را در چارچوب نظام‌های حقوقی ملی خود از ایداء، ارباب یا تهدید زنان بازداشت. همچنین دادگاه‌ها، بر اساس قانون اساسی کشور خود، تدابیری در مواقع لازم برای تضمین امنیت قربانیان و خانواده‌های آنان و حمایت از آنان از ارباب و انتقام‌جویی اتخاذ نمایند؛ خطرات امنیتی در تصمیمات اتخاذ شده راجع به آراء غیرحسبی یا شبه حسبی، آزادی به قید کفالت، آزادی موقت، عفو مشروط یا تعلیق مجازات در نظر گرفته می‌شوند (رحیمی، ۱۴۰۲: ۶۶).

بنابراین در رابطه با جرم خشونت خانگی، رویکرد و نگرش دستگاه قضایی در رویه قضایی در عرصه عمل و اجرا، اینکه چه اقداماتی باید از سوی مقام تعقیب برای احراز واقعیت صورت پذیرد، بین نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه و انگلیس یکسان نیست.

دستگاه قضایی فرانسه در برابر وقوع جرائم مرتبط با خشونت خانگی رویه سرسخت‌تری در پیش گرفته و شمار پرونده‌های گشوده شده درباره خشونت خانگی حتی بدون ثبت شکایت از سوی قربانی افزایش یافته است؛ امری که نشانگر حساسیت بیشتر دادرها نسبت به گزارش‌های وقوع چنین جرمی در جامعه است. در حقوق این کشور، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری به منظور حمایت بهتر از بزه‌دیدگان جرائم خشونت خانگی که بیشتر قربانیان آن‌ها را زنان، کودکان و سالمندان تشکیل می‌دهند، فصولی از قانون را به موضوع «تعقیب، تحقیق و دادرسی در جرائم» اختصاص داده و مقررات خاصی را در مقام حمایت از زنان و اطفال وضع نموده است.

در موارد خشونت خانگی، قربانی از حقوق خاصی برخوردار است، به‌ویژه عدم مواجهه مستقیم با مهاجم و همراهی فرد مورد اعتماد (علاوه‌بر وکیل) در جلسات دادرسی. دادرسی کیفری در جرائم خشونت خانگی اغلب با مداخله پلیس که پرونده را به دادستانی عمومی ارسال می‌کند، یا با طرح شکایت کیفری توسط قربانی آغاز می‌شود. پس از کشف این پرونده، دادستانی تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد، سپس تصمیم به آغاز تحقیقات، محکومیت عامل خشونت به وسیله دستور کیفری، بسته

شدن پرونده یا تهیه کیفرخواست در دادگاه کیفری می‌گیرد. دادستانی ممکن است بسته به شدت خشونت یا تکرار، جلسه رسیدگی تشکیل دهد و دستور استماع شهود، ارائه اسناد یا گواهی پزشکی و غیره را بدهد. تصمیمات دادسرا قابل اعتراض در دادگاه کیفری است (The Criminal Procedure Act 1986).

به‌طور کلی، دو امکان برای مواجهه با جرم ارتكابی در این کشور وجود دارد. یا تصمیم بر اجرای فرآیند تعقیب کیفری و ارسال پرونده به یک مرجع محاکمه و یا تصمیم به طبقه‌بندی آن می‌گرفتند. اما این دو مسیر برای پاسخ به جرائم خشونت خانگی، کارآمد نبوده و موجب ایجاد راه سوم، یعنی جایگزین‌های تعقیب در قوانین کشور فرانسه دیده می‌شود. در حال حاضر سه گزینه در دسترس دادستان عمومی است: «تعقیب قانونی مقابل مراجع تحقیق یا محاکمه، طبقه‌بندی یا بایگانی پرونده، اجرای روشی جایگزین برای تعقیب عمومی» که به‌طور مؤثر اجازه تصمیم‌گیری سریع و بدون ابهام در اثبات جرائم و آسیب‌های احتمالی بزه‌دیده خشونت خانگی را به مقامات قضایی می‌دهد و موجب تقویت عملکرد مقامات قضایی و اثبات راحت‌تر این جرم با توجه به شرایط ویژه آن، محقق می‌شود (Cario, 2014: 26).

قربانیان خشونت علیه زنان در فرانسه به اقدامات حمایتی در موارد خشونت خانگی دسترسی قانونی دارند. دادگاه خانواده ممکن است پس از درخواست قربانی و در مواردی که قربانی و یا فرزندانش در معرض خطر فوری قرار دارند، حکم حفاظت اضطراری صادر کند. یک حکم حمایتی می‌تواند حداکثر چهار ماه طول بکشد. فرانسه همچنین کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول) را در جولای ۲۰۱۴ تصویب کرد. کنوانسیون استانبول گسترده‌ترین معاهده بین‌المللی برای مقابله با این نقض جدی حقوق بشر است (C, 2015, Blaya).

در حقوق انگلیس، دادستان است که باید دادگاه را با توجه به همه ادله و مدارک نسبت به مجرمیت متهم متقاعد سازد، ولی دادستانی بیش از اثبات ادعای خود وظیفه دیگری ندارد. به بیان دیگر، دادستانی موظف نیست تا ابتدا به ساکن هر دفاعی را که احتمالاً متهم در جریان رسیدگی مطرح می‌سازد، پیش‌بینی و رد کند، لذا چنانچه متهم معاذیر یا موجبات خاصی برای رد دعوی در اختیار داشته باشد، باید آن‌ها را با ارائه دلیل ثابت کند و بنابراین در جریان محاکمه مسئولیت اقامه دلیل به عهده خود اوست. به‌عنوان نمونه، فرض کنید در یک دعوای حقوقی خوانده می‌خواهد ثابت کند عملی که موجب خسارت خواهان شده است عمل شخص دیگری بوده نه عمل او در اینجا خوانده برای اثبات ادعای خود باید دلیل اقامه کند یا چنانچه متهم در یک دعوای جزایی بخواهد اتهام قتل عمد را به قتل غیرعمد ناشی از تحریک تقلیل دهد، باید دلیلی برای تحریک ارائه کند. همچنین، اگر قانون ارتکاب عملی را جرم دانسته و آن را مشمول استثنائات یا معافیت‌هایی کرده باشد، باید مطابق با آن عمل نماید، اما در جرائم خشونت خانگی معیار اثبات و روند رسیدگی متفاوت است. به‌طوری‌که در حقوق خانواده، «معیار» اثبات یعنی آستانه لازم برای یک قاضی برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا چیزی اتفاق افتاده است یا نه «تبادل احتمالات» است. با

توجه به اینکه «خشونت خانگی»، از نظر مفهومی، فقط در یک محیط خانوادگی می‌تواند رخ دهد، شاید تعجب‌آور نباشد که چنین ادعاهایی وجود داشته باشد. چه چیزی اغلب در قانون خانواده مطرح می‌شود. به‌طور مثال از آنجایی که دادگاه‌های خانواده عمدتاً به امنیت کودکان یا فرزندان مورد نظر رسیدگی می‌کنند، والدین متوجه خواهند شد که در مواردی که ادعاهایی مبنی بر هرگونه خشونت خانگی وجود دارد، قضات به شدت تمایلی به قبول خطر در اجازه دسترسی والدین متهم به کودک را ندارند و اثبات بی‌گناهی باید از طرف والدین صورت پذیرد.

در دادگاه خانواده اساساً سه راه وجود دارد که از طریق آن‌ها یک قاضی می‌تواند متقاعد شود که چیزی که ادعا می‌شود، در واقع اتفاق افتاده است: یک اعتراف از طرف متهم وجود دارد یا یک دادگاه کیفری نتیجه‌ای را علیه متهم صادر کرده است (محکومیتی که به موجب آن معیار اثبات «فرا تر از شک منطقی» است) یا یک دادگاه مدنی نتیجه‌ای را علیه متهم صادر کرده است (مثلاً دادگاه خانواده، در مورد «تعادل احتمالات»). برای اینکه دادگاه خانواده به چنین نتیجه‌ای دست یابد، باید «بررسی قابل استماع بودن حقایق» برگزار شود که در آن شواهدی ارائه می‌شود، از جمله دعوت شهود که شهادت خود را با سوگند ارائه می‌کنند. به‌طور کلی در این کشور، ترتیبات تخصیص و استقرار منابع تخصصی آزار خانگی بین ارگان‌ها متفاوت است. برخی، واحدهای سوءاستفاده خانگی را ایجاد کرده‌اند. برخی دیگر متخصصان آزار خانگی خود را در واحد حفاظت عمومی خود قرار می‌دهند، جایی که ممکن است منبع اختصاصی برای جرم خشونت خانگی نباشند، اما سایر وظایف حفاظت عمومی را نیز انجام می‌دهند. حوادث آزار خانگی لزوماً به افسران متخصص منتقل نمی‌شوند، مگر اینکه در سطح بالاتری از خطر طبقه‌بندی شوند. بنابراین، مسئولیت اولیه تحقیقات ممکن است با اولین پاسخ‌دهنده افسر پرونده باقی بماند.

نتیجه‌گیری

خانواده مهم‌ترین کانون پرورش کودک و اولین پایگاه اجتماعی است که فرد در درون آن پا می‌گذارد. سلامت جسمانی، روانی و عقلانی، دستاوردها و موفقیت‌های جایگاه فرد در مراحل بعدی زندگی تا حد زیادی انعکاس چگونگی زندگی او در نخستین سال‌های زندگی با والدین است، اما گاهی این پناهگاه خود کانون خطر برای کودک می‌شود. خشونت خانگی به‌طور جدی ثبات خانواده، سلامت و رفاه عاطفی کودکان، زنان و سالمندان را تهدید می‌کند. تلاش‌های علمی بسیاری برای درک چگونگی تأثیر خشونت خانگی با در نظر گرفتن ماهیت خشونت خانگی، میزان قربانی شدن افراد و نحوه تأثیر رویدادهای آسیب‌زا و اثر نامطلوب آن بر قربانیان صورت گرفته است.

نتایج در این مقاله نشان داد درصد بالایی از قربانیان که در خانواده‌های دارای خشونت خانگی حضور دارند اکثر آن‌ها کودکان خردسال هستند. با توجه به این امر و تمرکز شدید بر اثبات خشونت و ادله

تحقق جرم خشونت خانگی در حقوق داخلی منجر به تأسیس نظام دادرسی ویژه اطفال بزه‌دیده در قانون حمایت از کودکان گردیده است که این قوانین تا حدود زیادی خود را با مقررات بین‌المللی تطبیق داده و شرایط را برای مشاهده نهادهای غیرقضایی مانند مددکاری اجتماعی در مراحل مختلف دادرسی فراهم نموده‌اند که در انجام تحقیقات و بازجویی می‌تواند با شناسایی اطفال در معرض خطر، گام مهمی را در اثبات جرم و کمک به بازپرس بردارد. زیرا مرکز ثقل دعاوی، دلیل است و جایگاه و اهمیت ادله غیرقابل اغماض و تسامح است که با افزایش اختیارات قاضی در راستای علم قاضی (صدور حکم بر اساس یقین به وقوع جرم بر پایه مستندات ظنی)، به اثبات راحت‌تر جرم در جهت حمایت از قربانیان، کمک نموده است.

با توجه به نکات گفته شده که نشان از اهمیت جرم خشونت خانگی دارند و با وجود خسارات جبران‌ناپذیری که جرم مذکور بر خانواده که مهم‌ترین و اساسی‌ترین ساختار اجتماعی هر جامعه‌ای است، می‌گذارد، در این پژوهش، به طریقی نوآورانه به بررسی تطبیقی بار اثبات دلیل در سه کشور مذکور پرداخته شد و از طریق راه‌حل‌های ارائه شده، به ارزیابی نحوه پیشگیری از این جرم پرداختیم. این در حالی است که در مقالات بسیار محدودی به بررسی ادله اثبات به این شکل پرداخته شده است. در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که وفق مقررات قانون فرانسه در خصوص ادله اثبات، در محاکمات کیفری، هیئت منصفه یا محکمه ملزم نیست در صورت وجود نوع یا حد معینی از ادله در پرونده حکم به محکومیت دهد، به همین علت به یقین شخصی اشاره کرده است.

در حقوق کیفری فرانسه، قوانین ویژه‌ای در جهت حمایت از قربانیان خشونت خانگی به تصویب رسیده است، با این حال، موکول کردن بار اثبات بر متهم، به صورت شفاف و مکفی انجام نگردیده است. چراکه یک دادرسی عادلانه مستلزم تحقق هدف پیشگیرانه نسبت به افرادی است که قصد ارتکاب به جرائم خشونت خانگی را دارند. زیرا با اعمال این سازوکار احتمال اینکه افراد گناهکار بیشتری در بند سیستم عدالت کیفری گرفتار شوند، با توجه به شرایط ویژه جرم خشونت خانگی، افزون می‌شود. به طور مثال، در این کشور، می‌توان با معکوس کردن بار اثبات دلیل، با رعایت دو شرط اصل قانونی بودن و استفاده از این روش به عنوان آمارهای نسبی برای اثبات گناهکاری از سوی متهم، می‌توان در راستای کاهش چشمگیر این جرائم گام برداشت.

در حقوق انگلیس، در جرائم خشونت خانگی، بار اثبات دلیل به دو صورت معکوس گردیده است، یکی شیوه ماهوی که در آن موارد استثنائی پیش‌بینی گردیده و بار اثبات دلیل را به متهم تحمیل می‌نماید و دیگری شیوه شکلی است که این اختیار را به قاضی می‌دهد که چنانچه قرائن و اوضاع و احوال بر علیه متهم بود، بتواند بار اثبات دلیل را معکوس کند.

فهرست منابع

- احمدوند، خلیل الله و تال، حسن (۱۳۹۹)، زمستان. «بررسی نقش و جایگاه شهادت در دادگاه». **نشریه قانون‌یار**، دوره چهارم، شماره ۱۶.
- آذری، هاجر و بابازاده، زهرا (۱۳۹۸). «حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت جنسی خانگی در نظام عدالت کیفری ایران». **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۴۹، شماره ۲.
- اسدی، لیلا (۱۳۸۸). «مهارت خشونت‌های خانگی از قانون تا اخلاق». **فصلنامه کتاب زنان**، شماره ۲۳.
- آشتیانی، محمدحسن بن جعفر (۱۴۲۵). **کتاب القضا**. قم - ایران: مکتب آیه الله السید یوسف المدنی التبریزی.
- اعتمادی، امیر و زالی پور مداب، مهران (۱۴۰۱). «شهادت کذب در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز». **فصلنامه علمی حقوق تطبیقی**، دوره نهم، شماره ۱.
- جان استوارت میل (۱۳۶۳). **رساله در برابر آزادی**. ترجمه: جواد شیخ الاسلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- حیدری، الهام (۱۳۹۲). «معیار اثبات در دعاوی کیفری در دادرسی کیفری ایران و انگلستان». **فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۴۳، شماره ۴.
- رحیمی، حمزه،برزگرزاده، عباس و عبدالهی، اسماعیل (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی پیرامون پیشگیری از وقوع خشونت علیه زنان با اتکا به تدابیر پیشگیرانه وضعی و محیطی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی». **مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، دوره ۱۰، شماره ۲.
- رضوی، محمد (۱۳۸۳). «نگاهی دیگر به خشونت علیه زنان». **نشریه حورا**، شماره ۱۰.
- سپهری، روح‌الله، فتاحی، حیدر و پهلوان‌زاده، عباس (۱۴۰۱). «بررسی ارزش اثباتی شهادت در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و تأثیرپذیری شهادت از عوامل روانشناختی». **فصلنامه علمی تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی**، سال ۱۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۲.
- شرتونی، سعید (بی‌تا). **اقراب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد**، بی‌نا، جلد ۲.
- عامل، مرتضی (بدون تاریخ). **بررسی حجیت اسناد کتبی در فقه و حقوق موضوعه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- عباسی کلیمانی، عاطفه (۱۳۹۱). بار اثبات دلیل در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی. بی‌نا.
- فدایی، مهدی (۱۴۰۱). «بررسی نقش و ارزش اثباتی سوگند در دعاوی حقوقی». **فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار**، دوره ۶، شماره ۲۱.
- فروغی‌نیا، حسین، بسنده، نسیم و حاجی‌تبار، حسن (۱۴۰۱). «تأملی بر چالش‌های اثبات خشونت‌های خانگی علیه زنان در نظام ادله اثبات کیفری». **فصلنامه فقه جزای تطبیقی**، دوره ۲، شماره ۲.
- فیونی، احمد بن محمدعلی (بی‌تا). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، بی‌نا، جلد ۱.
- قرجه‌لو، علیرضا (۱۳۸۷). «شهادت بر شهادت در حقوق کیفری ایران و انگلستان». **مجله تخصصی الهیات و حقوق**.
- محمدپور افشار، میلاد (۱۳۹۷). **اعتبار ادله اثبات در امور کیفری از جهت استمرار و عدم آن**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

معین، محمد (۱۳۸۰). **فرهنگ فارسی معین**. چاپ اول، تهران: سرایش.

مقصودپور، رسول و اله آگاه، احسان (۱۳۹۸)، تابستان. «دلایل اثبات دعاوی مدنی در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی حقوق مصر و فرانسه». **فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)**، سال دوازدهم، شماره ۴۴.

مهر، نسرین و زاهدی، عبدالوحید (۱۳۹۴)، تیر. «رویکرد نوین حقوق کیفری در موضوع بار اثبات دفاعیات». **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۷۹، شماره ۹۰.

موحدی، جعفر (۱۳۹۳). **معکوس کردن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری**، جلد ۱. تهران: انتشارات مجد.

نیک سخن شیرازی، نفیسه (۱۳۸۸). **خشونت خانگی و پیشگیری از آن**. استاد راهنما: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: دانشگاه تهران.

هنرمند، عباس (۱۳۹۳). «شهادت به عنوان دلیل اثبات دعوای کیفری». **نشریه دادرسی**، شماره ۴۶.

References

- Aiken J. H, Murphy J. C (Spring, 2000), Evidence Issues in Domestic Violence Civil Cases, Family Law Quarterly, Vol. 34, No. 1: 43-62.
- Allen (2004), Christopher, practical guide to evidence, 3rd edition, Cavendish publishing, London.
- Ancel (1994), Jean-Pierre: Le Doute et Le Droit, Paris, Dollaz.
- Boricand, Jucques, Anne-Marie Simon)2005, Droit Penal et Procedure Penale, 4eme edition, Paris, Dollaz.
- Blaya, C (2015). Mapping the legislation and assessing the impact of protection orders in the European Member States (POEMS) — National Report France. Available at: <http://poems-project.com/wp-content/uploads/2015/02/France.pdf>
- Cario, R (2014). Justice restaurative. Principes et promesses, Les Cahiers Dynamiques.
- Carruthers, P (2015). "Tangled web indeed: The english land registration act and comparisons with the australian torrens system, University of New South Wales Law Journal, Vol 38, Issue 4.
- Cooke, Elizabeth (2003), The New Law of Land Registration, first published, Oxford & Portland, Oregon: Hart publishing
- Cordier F, Chroniques (2016). Chronique de jurisprudence, Procédure pénale, Dans Revue de science criminelle et de droit pénal comparé /4(N° 4), pages 797 à 812.
- Coscas-Williams, B, Alberstain, M (2019), A Patchwork of doors: accelerated proceedings in continental criminal justice systems, New Criminal Law Review, vol. 22, No. 4, p. 597
- Gail Hornor, MS, RNC, CPNP (2005), Domestic Violence and Children, Journal of Pediatric Health Care, pp. 206-212.
- Gray, Kevin and Susan Francios Gray (2011), Land Law, Seventh Edition, New York: Oxford.
- Hodgson, J (2010), Guilty Pleas and the Changing Role of the Prosecutor in French Criminal Justice, Warwick School of Law Research Paper, No. 2010/15, pp. 9.

- Husak D (2008), *Overcriminalization: The Limits of the Criminal Law* (Oxford: OUP, 2008, at 99-100 and A. P. Simester & A. von Hirsch, *Crimes, Harms, and Wrongs: On the Principles of Criminalization* (Oxford: Hart Publishing, 2011), at 19-32.
- Kainiya, Mohammad (2008).la signature electronique, Mémoire pour le master 2 de droit notariat. Université Jean-Moulin Lyon III, p. 77
- Mačkić, J (2005), The Distribution of the Burden of Proof in Cases of Discriminatory Violence, VOL 4: 158-228
- Mélanie Thill-Tayara and Marion Provost (2022), www.globalcompetitionreview.com
- Moatty Y (2020), La Commission Nationale des Droits de l'Homme à l'Ile Maurice, *Revue juridique de l'Océan Indien*, 04, pp.183-198.
- Nobles R. and Schiff D (2020), the supervision of guilty pleas by the court of appeal of England and wales – workable relationships and tragic choices, *criminal law forum* (2020) 31: 513-522.
- Picinali F (2014), Innocence and burdens of proof in English criminal law. *Law, Probability and Risk*, 13 (3-4). pp. 243-257. ISSN: 8396-1470.
- Pradel, Jean(2002), *Droit Penal Compare*, 2eme edition, Paros, Dollaz.
- Robinson P. H, 'Criminal Law Defenses: a Systematic Analysis' (1982) 82 *Columbia Law Review* 199, at 204-208.
- Simester A. P. von Hirsch, *Crimes, Harms, and Wrongs*(2011): On the Principles of Criminalization, Oxford: Hart Publishing, 19-32.
- Tomlin Cf. P, 'Extending the Golden Thread? Criminalization and the Presumption of Innocence' (2013) *Journal of Political Philosophy*, 21(1): 44-66.
- Rapport Henrion (2001), établi à la demande de Monsieur Kouchner, Ministre de la Santé, en février.
- Rassat, Michele, Luare (2007), *Procedure Penal*, 15eme edition, Paris, puf.
- Robert Hugh Farley M.S (2008), *Understanding and investigating child physical abuse, Interview and Interrogation Tips and Case Studies*.
- Sarah J. Lee (1998), The Search for Truth: Admitting Evidence of Prior Abuse in Cases of Domestic Violence, 20 *U. HAw. L. REv.* 221, 252
- Malaysia, Domestic Violence Act, (1994). Nepal, Domestic Violence (Offence and Punishment) (2009). Poland, Law on preventing domestic violence (2005). Turkey, Law to Protect Family and Prevent Violence Against Women (2012).
- UN, Convention on the Rights of Persons with Disabilities (2006).
- UN, Declaration on the Elimination of Violence against Women (1993).

Sources used to refer to the criminal laws of England and France

Art 1369 du code civil francais Il peut être dressé sur support électronique s'il est établi et conservé dans des conditions fixées par décret en Conseil d'État. Art. 428 F-CPP: "L'aveu, comme tout élément de preuve, est laissé à la libre appréciation des juges."

(Modifié par Loi 93-1013 1993-08-24 art. 28 JORF 25 août 1993 en vigueur le 2 septembre 1993)

Barron's Law Dictionary, pp. 55-56 (2nd ed. 1984)

Black's Law Dictionary, p. 178 (5th ed. 1979)

Black's Law Dictionary, p. 80 (2d pocket ed 1996); ISBN 0-314-25791-8

Electronic resources:

<https://www.bljsolicitors.co.uk>

<https://www.cps.gov.uk>

<https://www.draycottbrowne.co.uk>

The Crown Prosecution Service (CPS), (Evidence in criminal investigations, 2023 UK, Practical law.com

West Yorkshire Police v Lincoln Crown Court and Another Admn 27-Apr-2005

www.brottsoffermyndigheten.se

www.childadvocacy.iowa.gov

Persian Sources

Ahmadvand, Khalilullah, Tal, Hassan, winter 2019, review of the role and place of testimony in court, Law Yar, fourth term, number 16

Asadi, Leila, 2018, domestic violence skills from law to ethics, Women's Book Quarterly, No. 23

Etemadi, Amir, Zalipour Madab, Mehran, 1401, False testimony in the penal systems of Iran, England and Wales, Scientific Quarterly of Comparative Law, Volume 9, Number 1

Ashtiani, Mohammad Hassan bin Jafar, 1425, Kitab al-Qada, Zuhair Qom, Iran

John Sturt Mill, 1363, treatise against freedom, translated by Javad Sheikh al-Islami, second edition, scientific and cultural publications of the Ministry of Culture and Higher Education, Tehran.

Heydari, Elham. 2013, standard of proof in criminal lawsuits in criminal proceedings in Iran and England, Law Quarterly, Journal of Faculty of Law and Political Science, Volume 43, Number 4

Razavi, Mohammad, 1383, another look at violence against women, Hora magazine, number 10

Rahimi, Hamzeh, Barzgarzadeh, Abbas, Abdolahi, Ismail, 1402, a comparative study on the prevention of violence against women by relying on situational and environmental preventive measures in Iranian law and international documents, Journal of Comparative Research of Islamic and Western Laws, Volume 10, No. 2.

Sepehri, Ruhollah, Fatahi, Haider, Pehlvanzadeh, Abbas, 1401, Investigating the evidentiary value of testimony in Imamiyya jurisprudence and the legal system of Iran and the impact of testimony on psychological factors, Specialized Scientific Quarterly, Basics of Islamic Jurisprudence, Year 15, Number 2, Number Consecutive 2.

Agent, Morteza. Examining the authenticity of written documents in jurisprudence and subject

- law, Master's thesis of Ferdowsi University of Mashhad, 209 pages.
- Abbasi Kalimani, Atefeh, 2013, burden of proof in Iranian criminal law and international documents.
- Fadaei, Mehdi, 1401, examining the role and evidential value of oaths in legal claims, International Quarterly Journal of Law, Volume 6, Number 21.
- Forughinia, Hossein, Basandeh, Nasim, Haji Tabar, Hassan, 1401, a reflection on the challenges of proving domestic violence against women in the criminal evidence system, Comparative Penal Jurisprudence Quarterly, second volume, second issue.
- Fiuni, Ahmad bin Muhammad Ali, al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer lal-Raqsi. vol.1.
- Sepehri, Ruhollah, Fatahi, Haider, Pehlvanzadeh, Abbas, 1401, Investigating the evidentiary value of testimony in Imamiyya jurisprudence and the legal system of Iran and the impact of testimony on psychological factors, Specialized Scientific Quarterly, Basics of Islamic Jurisprudence, Year 15, Number 2, Number Consecutive 2.
- Qarjehlo, Alireza, 1387, Testimony on Testimony in Iranian and British Criminal Law. Specialized magazine of theology and law.
- Mohammad Pour Afshar, Milad. 2017, Validity of evidence in criminal matters in terms of continuity and non-continuity, Master's thesis, University of Tehran, 197 pages.
- Moin, Mohammad, 1380, Farhang Farsi Moin, Tehran, Saraish, first edition.
- Maqsoodpour, Rasool, Elah Aghaz Ehsan, summer 2018, reasons for proving civil claims in Iranian law with a comparative study of Egyptian and French law, Iranian and International Comparative Legal Research Quarterly (Scientific-Research) of Islamic Azad University, Year 12, Number 40 Fourth,
- Mohadi, Jafar, 2013, Reversing the burden of proof in criminal procedure, Majd Publications, Volume 1.
- Mehra, Nasreen, Zahedi, Abdulwahid, July 2014, the new approach of criminal law in the issue of the burden of proof of defenses, Judicial Law Journal, Volume 79, Number 90 – Serial Number 90.
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, 1388, domestic violence and its prevention, University of Tehran, 149 pages.
- Artist, Abbas, 2013, Testimony as proof of a criminal case, Magz Law, No. 46.